



زنجیره های جهانی ارزش و سیاست گذاری توسعه

دپارتمان زنجیره ارزش

مرکز خدمات سرمایه گذاری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

شماره تماس: ۸۸۷۲۶۷۹۳

فکس: ۸۸۷۲۰۴۶۱

ایمیل: cic@tccim.ir



فهرست مطالب

۱	مقدمه	۲
۲	اهمیت زنجیره های جهانی ارزش	۳
۳	ابعدا چارچوب GVC	۳
4	فناوری و GVC	۴
۵	سیاستهای ملی و مشارکت زنجیره های جهانی ارزش	۴
۶	زنجیره ارزش از منظر یونیدو: بازیگران، روندها	۶
۷	بانک جهانی و زنجیره جهانی ارزش	۸
۸	آنکتاد و زنجیره های جهانی ارزش	۱۰
۹	زنجیره ارزش، چهره نوین اقتصاد بین الملل	۱۲



۱ مقدمه

زنجیره جهانی ارزش یک مفهوم به نسبت جدید در ادبیات اقتصاد بین الملل است. طرح این مفهوم در مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل برآمده از ظهور، گسترش و تعمیق فرایند جهانی شدن و به وجود آمدن ضرورت ها و الگوهای جدیدی از تولید و تجارت است که با انقلاب اطلاعاتی در دوران پساجنگ سرد خیلی سریع به یک روند گسترده و تعیین کننده در این حوزه تبدیل شد. در واقع، این روندهای مبتنی بر زنجیره ارزش بودند که تصویر یک دهکده جهانی در عصر اطلاعات را در عرصه اقتصاد به یک واقعیت تعیین کننده تبدیل کردند.

با شکل گیری زنجیره جهانی ارزش بسیاری از مفاهیم و روندهای اقتصادی جهان بازتعریف شدند و اقتصاد سیاسی جهان شکل نوینی به خود گرفت، در این شکل نوین، بخش عمده تولید، تجارت و سرمایه گذاری در جهان در قالب زنجیره جهانی ارزش انجام می گیرد، به این ترتیب که مراحل مختلف فرایند تولید و عرضه کالا و خدمات در قالب یک فرایند بهم پیوسته در کشورهای مختلف پیگیری می شود. دو مفهوم کلیدی در این شبکه جدید عبارتند از برون سپاری^۱ و دورسپاری^۲. بنا بر تعریف، برون سپاری زمانی رخ می دهد که یک شرکت بخش خاصی از فرایندهای خود را به طرف ثالثی که در آن بخش، از توان و تخصص ویژه برخوردار است، واگذار می کند. در مقابل، دورسپاری به این معنا است که یک شرکت بخشی از نیروی کار خود را نه از کشوری که پایگاه اصلی فعالیت آن است، بلکه از سرزمین های دیگر تأمین می کند. به این ترتیب، شبکه های به هم پیوسته ساخت، تولید و تجارت در کنار امکاناتی که عصر اطلاعاتی برای زمان ما فراهم کرده است به اقتصاد جهانی این اجازه را داده است که رؤیای دهکده جهانی در عرصه اقتصاد محقق شده و یک زنجیره جهانی تولید ارزش شکل بگیرد.

به عبارتی زنجیره ارزش طیف کاملی از فعالیتهایی که شرکت ها و کارکنان انجام می دهند تا محصول را از زمان تصورات اولیه آن به استفاده نهایی و فراتر از آن برسانند، توصیف می کند. بنابراین زنجیره ارزش شامل فعالیتهایی مانند تحقیق و توسعه (R&D)، طراحی، تولید، بازاریابی، توزیع و پشتیبانی از مصرف کننده نهایی است. در کانتکست جهانی امروز، فعالیت های زنجیره ارزش در شبکه های بین شرکتی در مقیاس جهانی انجام می شود. تجزیه و تحلیل GVC با تمرکز بر توالی فعالیت های ارزش افزوده ملموس و ناملموس از مفهوم و تولید تا استفاده نهایی، فهمی جامع از صنایع جهانی ارائه می کند.

¹Manufacturing

²Outsourcing

³Offshoring

⁴Elms, Deborah. Global value chains in a changing world. Geneva : World Trade Organization, 2013.



۲ اهمیت زنجیره های جهانی ارزش

اقتصاد جهانی به طور فزاینده ای حول زنجیره های جهانی ارزش^۱ (GVC) ساختار یافته است، زنجیره هایی که سهم فزاینده ای از تجارت بین المللی، GDP جهانی و اشتغال را به خود اختصاص می دهند. زنجیره های جهانی ارزش، شرکت ها، کارکنان و مصرف کنندگان را در سراسر جهان به هم پیوند داده و سنگ بنا و شالوده را برای شرکت ها و کارکنان کشورهای در حال توسعه برای مشارکت در اقتصاد جهانی فراهم می کند. برای بسیاری از کشورها، توانایی الحاق مؤثر در GVC ها یک شرط حیاتی برای توسعه است. این مستلزم توانایی دسترسی به GVC ها، رقابت موفقیت آمیز و کسب دستاورد، ظرفیت سازی و ایجاد شغل بیشتر و بهتر برای کاهش بیکاری و فقر است. بنابراین، مساله فقط مشارکت در اقتصاد جهانی نیست، بلکه چگونگی انجام این کار به شیوه سودمند است.

۳ ابعاد چارچوب GVC

چارچوب زنجیره های جهانی ارزش با بررسی ساختار و پویایی های بازیگران گوناگون در یک صنعت، امکان فهم چگونگی سازماندهی صنایع جهانی را میسر می سازد. ماهیت جامع این چارچوب به سیاستگذاران امکان پاسخگویی به سؤالات مربوط به مسائل توسعه که توسط پارادایم های قبلی مورد توجه قرار نگرفته اند را می دهد. علاوه بر این، ابزاری برای توضیح واقعیت های تغییر یافته جهانی-محلی که در سه دهه گذشته ظهور کرده اند، فراهم می کند.

شش بعد اساسی وجود دارد که متدولوژی GVC بررسی می کند

سه بعد اول به عناصر بین المللی اشاره دارد که توسط پویایی صنعت در سطح جهانی تعیین می شود. آنها عبارتند از:

۱. ساختار out-input، که فرآیند تبدیل مواد خام به محصولات نهایی را توصیف می کند
 ۲. محدوده جغرافیایی، که توضیح می دهد که چگونه صنعت در سطح جهانی پراکنده شده است و فعالیت های مختلف GVC در چه کشورهایی انجام می شود.
 ۳. ساختار گاورننس، که توضیح می دهد چگونه زنجیره ارزش کنترل می شود.
- سه بعد دوم نحوه مشارکت کشورها در GVC ها را توضیح می دهد. این ابعاد عبارتند از:

¹ Global value chain

² GVC framework



۴. ارتقاء، که حرکت پویا در زنجیره ارزش را با بررسی چگونگی جابجایی تولیدکنندگان بین مراحل مختلف زنجیره نشان می‌کند.

۵. زمینه نهادی که در آن زنجیره ارزش صنعت در عناصر اقتصادی و اجتماعی محلی embed شده است.

۶. ذینفعان صنعت، که چگونگی تعامل بازیگران مختلف زنجیره ارزش را توصیف می‌کنند.

۴ فناوری و GVC

نکته دیگر در مورد رابطه فن آوری‌های جدید و GVCهاست. فناوری‌ها در تعادل باعث ارتقای زنجیره‌های جهانی ارزش می‌شود. ظهور فناوری‌های تجارت و زنجیره‌های جهانی ارزش را افزایش می‌دهند. نوآوری منجر به ظهور کالاها و خدمات تجاری جدید می‌شود هم چنین فناوری‌ها به بهره‌وری بالاتر و مقیاس بزرگتر تولید کمک کرده‌اند و اینها به رشد سریع تر تجارت و گسترش زنجیره های ارزش کمک می‌کند. هم چنین فناوری های جدید به ویژه دیجیتال و هوش مصنوعی کی تواند هزینه تجارت را کاهش داده و شرکت‌های کوچک تر آسان تر می‌توانند از بازارهای محلی خود بیرون آمده و کالاها و خدمات خود را به دنیا بفروشند.

۵ سیاست‌های ملی و مشارکت زنجیره‌های جهانی ارزش

مشارکت یک کشور در زنجیره‌های جهانی ارزش تابع برخورداری از عوامل، جغرافیا، اندازه بازار و کیفیت نهادهای آن کشور است. با این حال، این اصول به تنهایی سرنوشت یک کشور را تعیین نمی‌کند بلکه سیاست‌ها نیز نقش مهمی دارند. البته سیاست‌های باید متناسب با شرایط خاص کشورها و اشکال خاص مشارکت در زنجیره‌های جهانی ارزش تنظیم شوند و صرفاً کپی برداری نشود.

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تمام مراحل مشارکت در زنجیره‌ها مهم است. این امر مستلزم گشودگی، حمایت از سرمایه‌گذار، ثبات اقتصاد کلان، فضای کسب و کار مطلوب و ترویج سرمایه‌گذاری است. برخی کشورها مانند کاستاریکا، مالزی و مراکش سرمایه‌گذاری‌های متحول کننده زنجیره جهانی ارزش توسط شرکت‌های بزرگ چند ملیتی را از طریق استفاده از استراتژی‌های ترویج سرمایه‌گذاری موفق جذب کرده‌اند.

افزایش نرخ‌های ارز و مقررات محدود کننده کار، هزینه نیروی کار را افزایش می‌دهد و از استفاده کشورهای با نیروی کار فراوان از مواهب خود جلوگیری می‌کند.

¹ endowments



اتصال به بازارها از طریق آزادسازی تجارت به کشورها کمک می کند تا اندازه بازار خود را گسترش دهند و به نهادهای مورد نیاز برای تولید دسترسی پیدا کنند. توافق نامه های تجاری دسترسی به بازار را گسترش می دهند و آنها یک کاتالیزور حیاتی برای ورود زنجیره های جهانی ارزش بوده اند. از آنجایی که اقتصاد کالاها و خدمات به طور فزاینده ای به هم مرتبط هستند، اصلاح سیاست های خدمات - در تلکامینیکیشن، مالی، حمل و نقل و... - باید بخشی از هر استراتژی برای ترویج فعالیت زنجیره های جهانی ارزش باشد.

بهبود تشریفات گمرکی و مرزی، ترویج رقابت در خدمات حمل و نقل و لجستیک، و بهبود ساختار بندر و حاکمیت می تواند هزینه های تجاری مرتبط با زمان و عدم قطعیت را کاهش دهد و معایب مرتبط با یک مکان دورافتاده را کاهش دهد.

از آنجا که زنجیره های جهانی ارزش در شکل گیری انعطاف پذیر شبکه های شرکت ها رشد می کنند، باید به اجرای قرارداد نیز توجه شود تا اطمینان حاصل شود که ترتیبات قانونی درون شبکه پایدار و قابل پیش بینی هستند. حفاظت از حقوق مالکیت معنوی به ویژه برای زنجیره های ارزش مبتکرتر و پیچیده تر اهمیت دارد.

تقویت گواهینامه ملی و ظرفیت آزمایش برای اطمینان از انطباق با استانداردهای بین المللی نیز می تواند مشارکت زنجیره های جهانی ارزش را تسهیل کند.

برای تقویت ظرفیت داخلی برای حمایت از ارتقاء زنجیره های ارزش، کشورها باید در سرمایه انسانی سرمایه گذاری کنند.

سیاست های هدفمند برای رفع انسداد محدودیت های تجارت زنجیره جهانی ارزش می تواند موثر باشد.

کشورها می توانند شرکت های کوچک و متوسط داخلی را با شرکت های پیشرو در زنجیره های جهانی ارزش پیوند دهند (این پیوند با حمایت از آموزش و ظرفیت سازی، و در عین حال ارائه اطلاعات به شرکت های پیشرو در مورد فرصت های عرضه صورت می گیرد). نمونه هایی از برنامه های موفق پیوند تامین کننده شامل شیلی و گینه در معدن، کنیا و موزامبیک در کشاورزی و جمهوری چک در بخش های الکترونیک و خودرو است.

برای کشورهای شرکت کننده در زنجیره ارزش کشاورزی، سیاست های کمک به ادغام مالکان خرد اهمیت ویژه ای دارد.

سرمایه گذاری های معدنی معمولاً به مقادیر زیادی سرمایه با بازده در دراز مدت نیاز دارند. بنابراین سرمایه گذاران با عدم قطعیت های بسیاری از جمله هزینه های تولید و روندهای آتی قیمت کالاها مواجه هستند.



دولت‌ها می‌توانند با ایجاد چارچوب‌های قانونی مانند قوانین معدنی که شرایطی را که تحت آن امتیازات معدنی به وضوح تعیین شده است، عدم اطمینان را کاهش دهند. بوتسوانا، شیلی و نامیبیا دارای محیط‌های سیاستی باکیفیت هستند، در حالی که زیمبابوه که بخش‌های معدنی مختلف را در دهه گذشته ملی و تا حدی ملی کرده و اخیراً تهدید به ممنوعیت صادرات پلاتین کرده است، به عنوان یکی از نامناسب‌ترین محیط‌های سیاستی سرمایه‌گذاری در معدن رتبه‌بندی شده است.

۶ زنجیره ارزش از منظر یونیدو: بازیگران، روندها

یکی از منظرهایی که در فهم بهتر این مفهوم کمک می‌کند، تعریف دفتر توسعه صنعتی سازمان ملل متحد، یونیدو (UNIDO) است. از منظر یونیدو زنجیره‌های ارزش جهانی (GVC) معطوف به اشتراک تولید بین‌المللی است، پدیده‌ای که در آن تولید به فعالیت‌ها و وظایف انجام شده در کشورهای مختلف شکسته می‌شود. این تولید تقسیم شده، منجر به شکل‌بخشی به یک تقسیم کار جهانی می‌شود که همانا زنجیره ارزش است.

از منظر این نهاد بین‌المللی، زنجیره جهانی ارزش به طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها (طراحی، تولید، بازاریابی، توزیع و پشتیبانی از مصرف‌کننده نهایی و غیره) مرتبط می‌شود که بین شرکت‌ها، سرمایه‌ها، نیروهای کار و نهادهای جهان‌گستری در فضاهای جغرافیایی متفاوت توزیع شده تا یک محصول را از ایده به کالا و در نهایت، استفاده نهایی و فراتر از آن تبدیل کند. از منظر این نهاد، تولید فرامرزی یا زنجیره‌های ارزش جهانی با آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، پیشرفت در فناوری اطلاعات و ارتباطات، و نوآوری در لجستیک امکان‌پذیر شده است. با وجود آنکه تولید فرامرزی یک پدیده صددرصد جدید نیست، در دهه‌های اخیر در بسیاری از صنایع به سرعت گسترش یافته است. این توسعه عمدتاً توسط شرکت‌های فراملی¹ (TNC) و در قالب آن دسته از اقتصادهای صنعتی انجام شده است که به طور مداوم کسب‌وکار خود را بازسازی می‌کنند و با انگیزه رقابت، عملیات خود را به شکل مستمر باز سازمان‌دهی یا بازتوزیع می‌کنند. باین حال، وجه شاخص این زنجیره‌ها، جابه‌جایی آن گروه از مراحل تولید که نیروی کار انبوه را ایجاد می‌کند، از اقتصادهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه با دستمزد کم و نیروی کار فراوان است.

یونیدو روند جدید موجود در زنجیره ارزش را واجد ویژگی‌های دیگری نیز می‌داند. از منظر این سازمان بین‌المللی، علاوه بر تقسیم کار بین‌المللی و پراکندگی جغرافیایی فعالیت‌ها، یکی از ویژگی‌هایی که زنجیره‌های جهانی ارزش را از موج‌های قبلی تولید فرامرزی متمایز می‌کند این است که فعالیت‌های تولیدی نیز به طور فزاینده‌ای توسط گروهی از اشخاص ثالث انجام می‌شوند که هیچ پیوندی با سهام شرکت‌های فراملی (TNC) ندارند. این شرکت‌های فراملی در راستای این رویکرد، عملیات بین‌المللی خود را در

¹ Trans National Companies



بخش‌هایی از صنایع که منعکس‌کننده نقاط قوت اصلی آنهاست، تثبیت کرده‌اند. آنها همچنین با کنترل و هماهنگ کردن شبکه‌های تولید بین‌المللی خود که از شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها تشکیل شده، قدرتمندتر شده‌اند. برآوردها نشان از آن دارد که زنجیره‌های تولید تحت کنترل شرکت‌های فراملی حدود ۸۰ درصد تجارت جهانی سالیانه را تشکیل می‌دهند.

یکی از معیارهای کلیدی برای تشخیص و ردیابی این روند، تجارت کالاهای واسطه‌ای است. کالاهای واسطه‌ای کالاهایی هستند که در فرایند تولید نیاز به پردازش بیشتر دارند و به‌عنوان حاصل یک بخش از زنجیره تولید و ورودی بخشی دیگر از این زنجیره، در حلقه‌ای دیگر از آن، استفاده می‌شوند. میزان، سطح توزیع و پراکندگی این کالاهای واسطه‌ای اغلب به‌عنوان معیاری برای تشخیص و تحلیل این زنجیره‌های تولید استفاده می‌شود. از سال ۱۹۹۵، کالاهای واسطه‌ای به‌طور مداوم حدود نیمی از صادرات و واردات تولیدی را در سطح جهانی به خود اختصاص داده‌اند. این روند یک شاهد کلیدی از وجود و نحوه عمل تجارت در قالب زنجیره جهانی ارزش ارائه می‌دهد. نمودارهای زیر نقش کالاهای واسطه‌ای به‌عنوان نماد زنجیره‌های جهانی ارزش را در مناطق مختلف نشان می‌دهند.

بر مبنای تصویری که یونیدو ارائه می‌دهد، کشورها به دو شکل در زنجیره جهانی ارزش درگیر می‌شوند که عبارت است از درگیر شدن در پیوندهای پسین یا پیشین. وقتی کشور A از ورودی‌های کشور B برای تولید داخلی استفاده می‌کند، پیوندهای پسینی شکل گرفته‌اند. شرکت‌های کشور A می‌توانند نهاده‌های کشور B را از طریق واردات مستقیم و همچنین غیرمستقیم تأمین کنند، یعنی نهاده‌ها یا توسط شرکت‌های محلی وابسته به شرکت‌های فراملی از کشور B یا از طریق شرکت‌های دارای مالکیت محلی که نهاده‌های ورودی را از کشورهای دیگر وارد می‌کنند، تأمین می‌شوند. توانمندی تأمین نهاده‌های خارجی مشخصاً در صورتی مفید خواهد بود که نهاده‌های موردنیاز برای تولید در جغرافیای موردنظر یا در دسترس نباشند یا در برخی جنبه‌ها (مانند کمیت، کیفیت و قیمت) کمبود داشته باشند.

در مقابل، پیوندهای پیشینی زمانی ایجاد می‌شوند که کشور A نهاده‌هایی را تأمین کند که برای تولید در کشور B استفاده می‌شود. کالاهای تولید شده در کشورهای خارجی ممکن است محصولات نهایی (برای مصرف یا سرمایه‌گذاری محلی) باشند و یا اینکه محصولاتی واسطه‌ای باشند که برای استفاده به‌عنوان نهاده به‌جای دیگری صادر می‌شوند. توانایی تولید و عرضه نهاده‌های تولید به شرکت‌هایی که در کشورهای دیگر مستقر هستند می‌تواند به شکل مشخصی برای آن دسته از کشورهای در حال توسعه مهم باشد که به دنبال ورود به صنایع جدید هستند و در فرایند یادگیری نحوه تولید کالا (هر چند ساده) برای بازارهای صادراتی هستند. با این حال، این نهاده‌ها به همان اندازه نیز برای اقتصادهای صنعتی که نهاده‌های پیچیده، تخصصی و باارزش بالایی عرضه می‌کنند اهمیت دارند.



باید توجه داشت که زنجیره ارزش یکسره واجد شرایط و پیامدهای مثبت نیست. یونیدو معتقد است که مشارکت کشورها در زنجیره های ارزش می تواند آثار منفی مهمی نیز در برداشته باشد. افزایش شکاف طبقاتی، کاهش رفاه نیروی کار، گسست های اجتماعی و تخریب محیط زیست همگی آسیب هایی هستند که به سطوح و شدت های مختلف می تواند متوجه کشورهای درگیر در زنجیره ارزش باشد. در سطح بین المللی نیز یک آسیب مهم می تواند از زنجیره های ارزش منبث شود که همانا خطر افزایش شکاف های اقتصادی بین کشورها در نتیجه تقسیم کار است. برخی از کشورهایی که در زنجیره های ارزش مشارکت می کنند، ممکن است در بلندمدت خود را درگیر فعالیت هایی با ارزش افزوده پایین ببینند. علاوه بر این، مشارکت در زنجیره جهانی ارزش هرچند منجر به توسعه تعامل اقتصاد محلی با اقتصاد جهانی می شود، لزوماً توانایی این اقتصادها برای مقابله با شوک های خارجی را بالا نمی برد.

با وجود این تهدیدها و مشکلات، زنجیره های جهانی ارزش یک مسیر نسبتاً جذاب و سهل پیش روی کشورهایی قرار می دهد که در مراحل ابتدایی صنعتی شدن هستند و مشکلاتی در دسترسی به فناوری و سرمایه لازم برای پیمودن این مرحله دارند. این کشورها دیگر نیازی به ایجاد یک زنجیره کامل تولید نخواهند داشت و می توانند از پراکندگی بین المللی تولید و تفکیک عملیات در قالب زنجیره جهانی ارزش بهره ببرند. این کشورها امکان آن را خواهند داشت که با تعریف جایگاه خود در مرحله خاصی از تولید در امتداد زنجیره ارزش که با سطح دانش، سرمایه و فناوری موجود آنها سازگار است، صنایع هدف داری ایجاد کنند. مشارکت در زنجیره جهانی ارزش همچنین مزایای دیگری نیز به همراه می آورد. عرضه نهاده ها به شرکت هایی که صادرات دارند، چشم انداز کشورها (به ویژه آنهایی که بازار داخلی کوچکی دارند) را برای دستیابی سریع به **صرفه جویی در مقیاس** افزایش می دهد. تولید برای صادرات به رشد اقتصادی، ایجاد شغل، درآمدزایی و درآمد مالیاتی کمک می کند. مشارکت در زنجیره جهانی ارزش همچنین فرصت های قابل توجهی را برای انتقال دانش بین شرکت ها ایجاد می کند. چنین انتقالی این پتانسیل را دارد که منجر به «ارتقای صنعتی» و بهبود کیفیت محصول، تسهیل عملیات و فرایندها، و تشویق مشارکت در فعالیت های با ارزش بالاتر در تولید شود.

۷ بانک جهانی و زنجیره جهانی ارزش

یک رویکرد مهم دیگر به مفهوم زنجیره جهانی ارزش از سوی بانک جهانی عرضه شده است که صورت بندی دیگری از مباحث مطرح شده توسط یونیدو است. از منظر بانک جهانی امروزه، یک محصول نهایی منفرد اغلب از تولید و مونتاژ در چندین کشور حاصل می شود و هر مرحله از فرایند میزانی از ارزش افزوده برای محصول نهایی ایجاد می کند. به این ترتیب، کشورها با مشارکت در زنجیره های ارزش، دستاوردهایی فراتر از صرف تولید کالا به دست می آورند: آنها تجارت می کنند، مبادله دانش می کنند و برای تولید و عرضه محصولات، **مشارکت** می کنند. نکته مهم آنکه برای مشارکت موفقیت آمیز در زنجیره جهانی ارزش، **واردات**



کالاها و خدمات به اندازه صادرات اهمیت دارد. زنجیره های ارزش، دانش شرکت های پیشرو و تأمین کنندگان قطعات کلیدی را در طول مراحل تولید در چندین نقطه جغرافیایی یکپارچه می کنند. **جریان بین المللی و بین شرکتی دانش، ویژگی اصلی و متمایز کننده زنجیره های ارزش از شیوه های تولید پیشین است.**

در عصر رواج و تسلط زنجیره های ارزش، نحوه تعامل کشورها با اینها تعیین کننده جایگاه کشورها و میزان سودی است که از اقتصاد بین الملل می برند. زنجیره ها محرک های قدرتمندی برای رشد، بهره وری، ایجاد شغل و افزایش استانداردهای زندگی هستند. کشورهایی که از آنها استقبال می کنند سریع تر رشد می کنند، دانش، مهارت و فناوری را با سرعت بیشتری دریافت می کنند شغل های بیشتری با سرعت بیشتر و سرمایه کمتر ایجاد می کنند. یک برنامه توسعه ای که مبتنی بر زنجیره جهانی ارزش باشد، کشورها را قادر می سازد تا در این زنجیره در جایگاه بالاتری نسبت به سلسله مراتب دریافت ارزش افزوده (در مقایسه با زمانی که به صورت جزیره ای کالا تولید کنند) قرار گیرند و در تولیدات کشاورزی، صنعت و خدمات خود به سطوح بالاتری از دانش و مهارت دست پیدا کنند. به اعتقاد بانک جهانی، زنجیره های ارزش فرصتی را برای کشورها فراهم می کند تا یک جهش روبه جلو را در روند توسعه خودشان تجربه کنند. مشارکت در زنجیره های ارزش جهانی (GVC) می تواند منجر به افزایش اشتغال زایی و رشد اقتصادی شود. با این حال، باید توجه داشت که کشورها برای نیل به منافع حاصل از مشارکت در زنجیره ارزش، نیازمند آن هستند که سیاست های تجاری و سرمایه گذاری مناسبی را در پیش بگیرند.

بر مبنای داده ها و تحلیل های بانک جهانی، برخی از کشورهای در حال توسعه که جایگاه انقلابی زنجیره های جهانی ارزش در تولید و تجارت را درک کرده اند، اما هنوز برای سازگاری و هم سوئی استراتژی های توسعه ملی و سیاست های تجاری خود با این زنجیره های جهانی ارزش با چالش مواجه هستند. چالش دیگری که وجود دارد این است که برخی از کشورها زنجیره های ارزش را به عنوان بازسازی الگوی مرکز - پیرامون می دانند، بدان معنا که در قالب این زنجیره ها مشاغل «خوب» در شمال و مشاغل «بد» در جنوب توزیع شده اند. با این حال، از منظر بانک جهانی حتی بی میلی ترین شکاکان نیز تشخیص می دهند که موفقیت کشورهایمانند چین و هند مبتنی بر مشارکت آنان در زنجیره های جهانی ارزش است. مشارکت در این زنجیره ها می تواند هزینه های رقابتی در تولید را با فناوری بالا ترکیب نموده و مزیتی چشمگیر برای توسعه کشورها به همراه بیاورد. بر مبنای استدلال های بانک جهانی، استراتژی های صحیح توسعه ای و سیاست های تجاری مناسب می تواند به کشورهای در حال توسعه کمک کند تا مشارکت خود را در زنجیره های تولید پیشینه نمایند.



یک نکته مهم دیگر نیز در مباحث بانک جهانی وجود دارد که نباید از آن غافل شد: نقش بخش خصوصی. مشارکت در زنجیره ارزش با فهمی که بانک جهانی از آن عرضه می کند اصولاً نمی تواند با نقش انحصاری دولت ها در اقتصاد و تجارت به پتانسیل های واقعی خود برسد و در نتیجه، دولت ها برای مشارکت موفقیت آمیز در زنجیره های ارزش باید چشم انداز و دستور کار روشنی برای بهبود هماهنگی بین بازیگران دولتی و تضمین مشارکت بخش خصوصی داشته باشند. همچنین، سیاست های تعریف شده و جذاب برای بخش خصوصی به گشایش فزاینده مرزها و جذب سرمایه گذاری خارجی منجر می شود که به نوبه خود، می تواند در مشارکت پرشتاب کشورها در زنجیره های ارزش کمک کند.

از منظر بانک جهانی کشورها با بیشینه ساختن پتانسیل جذب اقتصاد داخلی و تقویت پیوندهای آن با زنجیره های ارزش، بیشترین منافع را کسب خواهند کرد. در نتیجه، حوزه های سیاست گذاری متنوعی بر میزان موفقیت کشورها در تعامل با زنجیره های ارزش تأثیر می گذارند. سیاست تجاری، تسهیل تجارت، تنظیم خدمات تجاری، سرمایه گذاری، مالیات کسب و کار، نوآوری، توسعه صنعتی، انطباق با استانداردهای بین المللی، و محیط تجاری گسترده تری که کارآفرینی را تقویت می کند، همگی در شمار مهم ترین حوزه هایی هستند که دولت ها باید در آنها هماهنگ و بر مبنای ضرورت های زنجیره ارزش تصمیم گرفته و عمل کنند.

در نهایت از منظر بانک جهانی، کشورها باید اقداماتی را شناسایی کنند که مکمل راهبردهای GVC آنها باشد. این اقدامات طیف وسیعی را در برمی گیرد، از سرمایه گذاری در آموزش و آموزش حرفه ای گرفته تا محیط زیست و شهرنشینی، از فناوری اطلاعات و ارتباطات و ساخت زیرساخت تا تحرک بازار کار.

۸ آنکتاد و زنجیره های جهانی ارزش

آنکتاد یکی دیگر از نهادهای مهم و تعیین کننده در اقتصاد جهانی است که تأکید زیادی بر زنجیره های ارزش داشته است. این نهاد نیز همچون یونیدو و بانک جهانی زنجیره های جهانی ارزش را در کانون تجارت جهانی دانسته و مشارکت کشورها در این زنجیره ها را به عنوان ضرورت توسعه آنها بر شمرده است. از این منظر کشورها باید مزایا و معایب مشارکت در زنجیره های ارزش و هزینه ها و مزایای سیاست های پیشگیرانه را برای ارتقای زنجیره های ارزش یا استراتژی های توسعه رهبری زنجیره های ارزش جهانی در نظر گرفته و آنها را بر مبنای موقعیت خاص و منابع و نهادهای تولید خود، به دقت بسنجند. بر این اساس، برخی از کشورها ممکن است تصمیم بگیرند که مشارکت در زنجیره های جهانی ارزش را در پیش نگیرند. دیگران ممکن است انتخابی به غیر از مشارکت نداشته باشند. این مسئله بر مبنای ویژگی های خاص کشورها تعیین و سیاست گذاری شده و مرتب بازاریابی می شود تا آسیب ها و دستاوردهای آنها مشخص شده و بر این مبنای سیاست گذاری ها اصلاح شود.



از منظر آنکتاد برای بیشتر اقتصادهای در حال توسعه که اندازه کوچک تر و منابع محدودتری دارند، جایگزین های اندکی برای استراتژی های توسعه ای، به شکلی که درجه ای از مشارکت در زنجیره های ارزش را شامل شود، وجود دارد. در حقیقت، سؤالی که برای این کشورها مطرح است مشارکت یا عدم مشارکت در زنجیره های ارزش نیست، بلکه این است که چگونه در آن مشارکت نمایند. در واقع بیشتر این اقتصادها به میزانی در زنجیره های ارزش درگیر هستند؛ بنابراین، جهت ترویج مشارکت در زنجیره های ارزش باید بخش های خاصی از آنها هدف قرار بگیرد. این امر هم برای کشورها و هم برای راهبران زنجیره ارزش جهانی صدق می کند. به بیان دیگر، کشورها باید بر مشارکت در بخش های خاصی از زنجیره های جهانی ارزش متمرکز شوند و این یکی از جنبه های استراتژی توسعه کلی یک کشور است.

اگر کشوری تصمیم بگیرد به شکل فعالی در زنجیره های ارزش مشارکت کند، سیاست گذاران آن ابتدا باید تعیین کنند که مزیت های تجاری و قابلیت های صنعتی کشورشان کدامند و با نگاهی واقع بینانه آثار مشارکت در زنجیره ها را بر موقعیت خود در اقتصاد جهانی تحلیل و ارزیابی کنند. در مجموع از منظر آنکتاد، بهره مندی از مشارکت در زنجیره های جهانی ارزش و تحقق فرصت های پیشرفت و ارتقای در آنها مستلزم یک رویکرد منسجم است که چند مؤلفه کلیدی دارد:

- ۱- گنجاندن زنجیره های جهانی ارزش در استراتژی های کلی توسعه و سیاست های توسعه صنعتی،
- ۲- فراهم کردن امکان رشد زنجیره های جهانی ارزش با ایجاد و حفظ محیط سرمایه گذاری و تجارت مساعد و تأمین زیرساخت های حمایتی؛
- ۳- ایجاد ظرفیت های تولیدی در شرکت های داخلی در راستای کاهش خطرات موجود در فرایند مشارکت در زنجیره های ارزش؛
- ۴- ایجاد یک چارچوب قوی زیست محیطی، اجتماعی و حکمرانی و تعریف سیاست های تجاری و سرمایه گذاری در قالب آن؛
- ۵- هم افزایی بین دو حوزه سیاستی و در نهادهای مربوطه.^۱

این مؤلفه ها به همراه اقدامات سیاستی لازم در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. ایجاد یک چهارچوب سیاستی برای زنجیره های ارزش جهانی و توسعه	
عناصر کلیدی	اقدامات اصلی سیاستی

¹ <https://worldinvestmentreport.unctad.org/wir2013/chapter-4-global-value-chains-and-development/>



جای گذاری زنجیره های ارزش جهانی در استراتژی توسعه	۱. استفاده از زنجیره های ارزش جهانی در استراتژی توسعه صنعتی ۲. تعیین اهداف سیاستی در مسیرهای توسعه زنجیره های ارزش جهانی
فراهم کردن امکان مشارکت در زنجیره های ارزش جهانی	۱. ایجاد و پیشبرد یک محیط مساعد برای تجارت و سرمایه گذاری ۲. ایجاد پیش نیازهای زیرساختی برای مشارکت در زنجیره های ارزش جهانی
ایجاد ظرفیت تولید داخلی	۱. حمایت از توسعه شرکت و افزایش قدرت چانه زنی شرکت های محلی ۲. تقویت مهارت های نیروی کار
فراهم کردن یک چهارچوب قوی زیست محیطی، اجتماعی و حکمرانی	۱. به حداقل رساندن خطرات مرتبط با مشارکت در زنجیره های ارزش جهانی از طریق مقررات و استانداردهای عمومی و خصوصی ۲. حمایت از شرکت های داخلی در انطباق با استانداردهای بین المللی
هم افزایی سیاست های تجارت و سرمایه گذاری و نهادها	۱. تضمین انسجام بین سیاست های تجاری و سرمایه گذاری ۲. هم افزایی تجارت و ترویج و تسهیل سرمایه گذاری ۳. ایجاد پیمان های توسعه صنعتی منطقه ای

۹ زنجیره ارزش، چهره نوین اقتصاد بین الملل

از منظر برخی محققین، جهانی شدن زنجیره ارزش، سیاست صنعتی کشورها را به شدت به پیوستن یا نپیوستن آگاهانه آنها به این زنجیره ها وابسته کرده است. در واقع کشورها در وضعیت کنونی، دو انتخاب پیش روی خود دارند: یکی اینکه خود را به مثابه بخشی از زنجیره جهانی ارزش تعریف کرده و به آن بپیوندند تا در قالب آن، سیاست صنعتی و تجاری خود را به پیش ببرند. انتخاب دوم این است که اصولاً از چشم انداز صنعتی شدن و ارتقای جایگاه در تجارت جهانی دست بشویند.



جهانی شدن زنجیره ارزش دارای یک بعد منطقه‌ای چشمگیر است. در این چارچوب، مناطق کلیدی اقتصاد جهانی، زنجیره ارزش خود را شکل داده‌اند، به گونه‌ای که می‌توان از زنجیره ارزش آسیایی، اروپایی و زنجیره ارزش آمریکای شمالی نام برد. از این منظر، منطقه‌ای شدن زنجیره ارزش، موقعیت ژئواکونومیک کشورها را بازتعریف کرده است. در این چارچوب، تنها دانش و مزیت‌های کشوری که شما در آن فعالیت می‌کنید اهمیت ندارد، بلکه منطقه‌ای که در آن قرار گرفته‌اید نیز به مزیت‌های شما شکل می‌دهد. شما به لحاظ اقتصادی در یک منطقه تعریف می‌شوید؛ بنابراین، کشورها دیگر نباید و نمی‌توانند تنها به مزیت‌های نسبی خود توجه کنند؛ بلکه در روند سیاست‌گذاری‌های تجاری خود باید به مزیت‌های نسبی محیط همسایگی خود نیز توجه داشته باشند. به‌عنوان مثال، کامبوج، کشوری که در قلب زنجیره ارزش آسیا قرار گرفته، می‌تواند جغرافیا و نیروی کار ارزان خود را به‌عنوان مزیت نسبی، با ساختار صنعتی پویا و روبه‌رشد آسیایی همراه و ترکیب کرده و از این شیوه در میسر توسعه گام بردارد و در نتیجه اقتصاد خود را طی قریب به دو دهه برابر کند. این موقعیت برای کشوری مانند کنیا متصور نیست. این کشور از کانون‌های اصلی زنجیره ارزش در اروپا، آسیا و آمریکای شمالی فاصله جغرافیایی بسیاری دارد و در قلب یکی از بی‌ثبات‌ترین و توسعه‌نیافته‌ترین مناطق جهان قرار گرفته است و به همین دلیل، کنیا نمی‌تواند اقتصاد خود را در پیوند با آنها تعریف کرده و از مزایای هم‌جواری با این زنجیره‌ها برخوردار شده و با آزادی عمل کامبوج، مزیت‌های نسبی خود در این زنجیره‌ها را مبنای سیاست‌گذاری صنعتی و تجاری خود قرار دهد. به بیان دیگر، هنوز جغرافیا در سیاست‌گذاری صنعتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با منطقه‌ای شدن زنجیره عرضه، کشورها در سیاست‌گذاری صنعتی، نه تنها باید مزیت نسبی خود، بلکه باید مزیت نسبی همسایگان را نیز لحاظ کنند.

نکته دیگر آنکه تکه‌تکه‌شدن فرایند تولید در ورای مرزها، همان گونه که در بررسی نگرش بانک جهانی و آنکتابد به زنجیره‌ها نیز بیان شد، طراحی و تدوین یک رژیم تجارت و سرمایه‌گذاری باز، پیش‌بینی‌پذیر و شفاف را به یک ضرورت برای کشورهای مختلف تبدیل کرده است. برخلاف گذشته، زمانی که زنجیره‌های ارزش جهانی در حال شکل‌گیری و تکوین بودند، در زمان حاضر موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و سایر اقدامات محدودیت‌زا تنها برای عرضه‌کنندگان خارجی مشکل درست نمی‌کند، بلکه به تولیدکنندگان داخلی یک کشور نیز آسیب‌های استراتژیکی وارد می‌کند. در وضعیت کنونی، دورانی که ۶۰ درصد تجارت جهانی، تجارت کالاهای واسطه‌ای است و ۷۰ درصد واردات اتحادیه اروپا به‌عنوان بزرگ‌ترین بلوک تجاری جهان را کالاهای واسطه‌ای و مواد خام تشکیل می‌دهد، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای نه تنها به‌عنوان ابزارهای حمایتی کارایی ندارند، بلکه می‌توانند به راحتی به ضد خود بدل شوند.

با جهانی شدن زنجیره ارزش، واردات به‌اندازه صادرات اهمیت پیدا می‌کند. شرکت‌ها اگر بخواهند در سطح جهانی رقابت کنند، به بهترین فناوری‌ها و ابزارها با کمترین قیمت نیاز دارند. در شرایط کنونی مهم‌ترین



سؤالاتی که سیاست‌گذاران اقتصادی و تجاری کشورها با آن مواجه‌اند، عبارت از این است که چگونه وارد این زنجیره ارزش شوند و در آن مشارکت کنند؟ و اینکه چگونه در این زنجیره ارزش موقعیت خود را ارتقا داده و منافع بیشتری نصیب خود کنند؟

شکل‌گیری و گسترش این پدیده، تدوین یک سیاست کلان بلندپروازانه و منسجم از سوی کشورها برای مشارکت در زنجیره جهانی ارزش در راستای دستیابی به رشد اقتصادی فراگیر و اشتغال پایدار را به یک ضرورت تبدیل کرده است. کانون سیاست تجاری و سرمایه‌گذاری بسیاری از کشورها، به‌ویژه بازیگران کلیدی تجارت جهانی را مشارکت در این زنجیره شکل داده است. این امر در سطح مناطق به شکل عمده‌تری قابل مشاهده است و در هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادهای کلیدی مناطق مانند ترکیه (ترکیه به لحاظ منطقه‌ای اوراسیا و به لحاظ موضوعی فناوری‌های تک را در کانون سیاست‌گذاری خود قرار داده و تلاش می‌کند تا سال ۲۰۲۳ به هاب منطقه‌ای در فناوری‌های تک و محصولات با فناوری متوسط در اوراسیا تبدیل شود)، هند (هند بر بخش نرم‌افزاری زنجیره ارزش فناوری اطلاعات متمرکز شده است) و امارات متحده عربی (امارات تلاش کرده است تا با توجه به مزیت‌های نسبی خود، به دروازه مطمئنی برای ورود هم‌سایگان این کشور به اقتصاد جهانی تبدیل شود و در بخش‌های لجستیک و مالی زنجیره جهانی ارزش یک بازیگر مهم گردد) قابل ردگیری است.